

بیان آماری تحولات اقتصادی - اجتماعی

ک. نوروزی

قسمت ششم

اشاره

مطلبی را که ذیلاً ملاحظه می کنید، تحقیقی است که در دفتر تحقیقات روستایی جهاد سازندگی توسط برادر نوروزی صورت گرفته است. در این شماره نگاهی آماری به تحولات جمعیتی و اموری در دوره مورد مطالعه یعنی سالهای ۱۳۰۰ - ۱۲۸۵ شده است.

در بخش های گذشته، محورهای عمده نظام اقتصادی - اجتماعی حاکم بر دوره مورد مطالعه و خطوط کلی برنامه های دولتی را از نظر گذرانیدیم و دیدیم جهت گیریهای عمومی دولت در امور زیربنایی و اساسی در عرصه امور اقتصادی - اجتماعی کشور چه بودند. همچنین تحولات کشور در این دوره مورد ارزیابی اولیه قرار گرفت.

اینک در این بخش، انعکاس مسایل فوق در بخشهای مختلف اقتصادی - اجتماعی کشور را از زبان آمار و ارقام، حتی المقدور مورد توجه قرار می دهیم و خواهیم دید که عملکردهای دولت چه تأثیری در صحنه واقعیتهای جامعه داشته است.

جمعیت و منابع انسانی

آمارهای جمعیتی موجود در محدوده دوره مطالعه تماماً تخمینی و برآوردی هستند. چرا که تا سرشماری عمومی سال ۱۳۵۵، هیچ اف. می در زمینه سرشماری عمومی صورت نگرفته بود. هر چند که در دهم خرداد ماه سال ۱۳۱۸ مجلس، «قانون

سرشماری» را از تصویب گذراند ولی پس از آن هیچ اقدام عملی برای اجرای این قانون صورت نگرفت.

از جمله برآوردهای انجام شده، برآوردی است که توسط جولیان باریر صورت گرفته است. براساس آمار ارائه شده توسط وی، جمعیت ایران در سال ۱۲۹۹، به ۱۱/۳۷ میلیون نفر و در سال ۱۳۲۰، به ۱۴/۷۶ میلیون بالغ می شده است.

در طول این دوران ترکیب جمعیت شهری و روستایی با یک آهنگ آهسته، به سوی افزایش نسبت جمعیت شهری گرایش دارد. هر چند که این میزان در طول این مدت اندک است ولی با کمی توجه به نسبت جمعیت شهرنشین و روستانشین به کل جمعیت کشور در سالهای قبل و بعد دوره مورد مطالعه این نکته دانسته می شود که از حدود سالهای دو دهه ۱۳۱۰ و ۱۳۲۰، نطفه های گرایش بسوی شهرنشینی انعقاد می یابند. از سال ۱۲۷۰ تا سال ۱۳۰۰ نسبت جمعیت شهرنشین و جمعیت روستایی نسبت به کل کشور به ترتیب کمتر از ۲۱ درصد و بیش از ۷۹ درصد بوده و تقریباً روی این ارقام ثابت بود. در اواسط دهه ۱۳۲۰، این نسبت به بیش از ۲۱ درصد و کمتر از ۷۹ درصد و بالاخره در سال ۱۳۲۰ به ۲۲/۵ درصد برای جمعیت شهری و ۷۷/۵ درصد برای جمعیت روستایی می رسد. در

عین حال در سال ۱۳۲۵ این نسبت با آهنگ سریعی تغییر یافته و به سطح ۲۵/۹ درصد جمعیت شهرنشین می رسد. آهنگ تغییر نسبت فوق که در دوره مورد مطالعه آغاز می شود پس از آن سریعتر به رشد خود ادامه می دهد.

ایستایی نسبی انواع فعالیتهای اجتماعی - اقتصادی تا اواسط دوره مورد مطالعه، عمده ترین علت ثبات توزیع جمعیت در شهرها و روستاهاست ولی پس از آن بدلیلی گسترش مشاغل غیرکشاورزی (در بخشهای صنعت - بازرگانی و خدمات) بالا رفتن سطح بهداشت در شهرها و کاهش میزان مرگ و میر به نسبت دهات و بالاخره افزایش اندک نرخ مهاجرت به شهر (حدود ۰/۶ درصد)، روند تدریجی افزایش جمعیت شهری و کاهش ساکنین دهات شکل می گیرد.

تغییر در الگوی اسکان سبب فزونی تعداد شهرهای کشور نیز گردید. بطوریکه قبلاً هم گفته شد، تعداد شهرهای ایران در سال ۱۲۷۹، ۱۰۰ و در سال ۱۳۳۶، ۱۸۶ بود. در این میان ۱۳ شهر از نواحی شهری - سال ۱۲۷۹ به دلیل کاهش جمعیت، از گروه نواحی شهری خارج شدند. به این ترتیب در فاصله مزبور ۹۹ شهر جدید، ایجاد گردید.

نکته دیگر در مورد الگوی اسکان، وضعیت عشایر است. چنانکه برآورد شده است، جمعیت عشایری ایران در سال ۱۲۷۹ بالغ بر ۲/۴۷۰

میلیون نفر بود که بواسطه اعمال فشارهای حکومتی، در سال ۱۳۱۱ به حدود یک میلیون نفر کاهش یافت.^۱

از لحاظ اشتغال نیز، تغییرات ایجاد شده، در همان جهتی است که توزیع جمعیت می باشد. در حالیکه در سال ۱۲۸۵، شاغلین بخش کشاورزی ۹۰ درصد و شاغلین بخش صنعت نزدیک به (صفر) نسبت کل جمعیت شاغل کشور را تشکیل می داد، در سال ۱۳۲۵ به ترتیب به ۷۵ درصد و ۲ درصد تغییر می یابند.

همچنین برآورد انجام شده در مورد تعداد شاغلین بخش معدن، رقمی معادل ۴۴۰۰۰ نفر را در سال ۱۳۲۶ نشان می دهد.

عمده ترین عللی که در مورد چگونگی کاهش شاغلین بخش کشاورزی میتوان ذکر کرد عبارتند از: پیدایش مشاغل جدید در بخشهای خدمات و صنعت و بازرگانی، گسترش ادارات و سازمانهای حکومتی، و بالاخره گسترش شهرنشینی در کنار مشاغل جدید. این عوامل باعث شدند که جمعیت شاغل در بخش کشاورزی، تقریباً ثابت مانده و همراه با رشد طبیعی جمعیت، رشد نیابد. زیرا در حالیکه جمعیت کشور از سال ۱۲۸۵ تا ۱۳۲۵ در حدود ۵۶۷۰ هزار نفر افزایش داشته، در طول همین مدت افزایش جمعیت کشاورزی بسیار اندک و ناچیز (۳۹۷ هزار نفر) بود.

تحولات بهداشتی که باعث افزایش امید زندگی از ۲۵ سال به ۳۰ سال گردید و تحولات آموزشی که در راستای نظام اقتصادی - اجتماعی

● در مجموع چنانکه دیده می شود، مهمترین منابع درآمدهای دولت را در طول دوره مورد مطالعه، انواع مالیاتهای مستقیم و غیرمستقیم، حقوق و عوارض گمرکی و انحصارهای بازرگانی دولتی تشکیل می دهد و هر قدر که به پایان دوره نزدیکتر می شویم براهیت انحصارات افزوده و از نقش مالیاتها کاسته می شود.

● در طول این دوران، ترکیب جمعیت شهری و روستایی با یک آهنگ آهسته، به سوی افزایش نسبت جمعیت شهری گرایش دارد. در اواسط دهه ۱۳۲۰، ۲۱ درصد جمعیت شهرنشین و ۷۹ درصد آن روستانشین بوده اند.

● عمده ترین عللی که در مورد چگونگی کاهش شاغلین بخش کشاورزی در این دوره، میتوان ذکر کرد، عبارتند از: پیدایش مشاغل جدید در بخشهای خدمات و صنعت و بازرگانی، گسترش ادارات و سازمانهای حکومتی و بالاخره گسترش شهرنشینی در کنار مشاغل جدید.

کشور عمل می کرد نیز قابل ذکرند. تعداد محصلین کشور در سال ۱۳۰۵، ۱۲۰/۶۰۳ نفر بود که در سال ۱۳۲۰ به ۳۱۵۳۶۴ نفر افزایش می یابد ولی مجموعاً، با توجه به مقایسه جمعیت کشور با تعداد محصلین می توان گفت که میزان آموزش عمومی بسیار اندک بود. همچنین تقریباً اکثریت قریب به اتفاق مردم در بیسوادی کامل بسر می بردند.

بطور کلی روند تحولات جمعیتی دوره مورد مطالعه بطور کاملاً همگون با محورهای اصلی برنامه اقتصادی - اجتماعی نظام حاکم و نیز اوضاع درونی جامعه، به سمت شهرنشینی، تقلیل نیروی کار کشاورزی، تأمین نیروی انسانی مورد نیاز بخش خدمات و صنعت، تغذیه بوروکراسی دولتی و نهایتاً انطباق کامل با سیستم نوین اقتصادی - اجتماعی کشور، سیر می کند.

امور مالیه

چنانکه پیش از این نیز گفته شد، امور مالیه در دوره مورد مطالعه، توانست نظام مشخص و معینی بخود گرفته و بی نظمی های گذشته را پشت سر بگذارد و با استفاده از شیوه های مناسب، منابع مالی لازم و مورد نیاز دولت را تأمین و یا منظم نماید.

عمده ترین منابع مالی در این دوره را حقوق و عوارض گمرکی، انواع مالیاتهای مستقیم و غیرمستقیم، حق انحصارات و امتیازات (از جمله حق امتیاز نفت) تشکیل می داد.

سال جامع علوم انسانی



تا آغاز فعالیتهای میلپو، هیچگونه نظام معینی بر امور مالی کشور حاکم نبود؛ و نیز بودجه ای به معنای خاص برای کشور تنظیم نمی شد. اما با آغاز فعالیتهای هیئت میلپو بتدریج سازماندهی امور مالی پیشرفت کرده و نخستین بودجه در سال ۱۳۰۲ از تصویب مجلس می گذرد.^۳ در سال ۱۳۰۱، کسری بودجه دولت بالغ بر چهار میلیون تومان بود و از این میان، قشر حقوق بگیران دولتی با تعدادی در حدود ۵۰ هزار نفر با حقوق ماهانه ای که بالغ بر یک میلیون تومان در سال می شد، مقدار قابل توجهی از کل درآمدها را به خود اختصاص داده بودند.^۴

از نخستین اقداماتی که در این بخش صورت گرفت تشکیل «کمیسیون اقتصادیات» در مجلس شورای ملی به ریاست تقی زاده بود. مهمترین هدف این کمیسیون تنظیم برنامه دراز مدت کشور بود که نتیجه مشخصی از آن عاید نشد.

به هر شکل اقدامات دولت در زمینه تأمین منابع مالی لازم، بتدریج توانست نظام مالی مشخص و منظمی را در کشور ایجاد کند که با اتکا به آن بودجه های سالانه برای کشور تنظیم شود. به این ترتیب نگاهی به بودجه هایی که در سالهای دوره مورد مطالعه تنظیم و تصویب شده است، در حد لازم می تواند نظام مالی کشور را توضیح دهد. با این توضیح که هر چند از سال ۱۳۰۲ بودجه کشور سالانه مورد تصویب قرار می گرفت ولی اطلاعات بدست آمده مربوط به بودجه سال ۱۳۰۷ به بعد است.

درآمدهای بودجه

کل درآمد دولت در بودجه سال ۱۳۰۷ بالغ بر ۲۹۷،۸۵۷،۲۷۶، قران بود. در این سال محل درآمدهای دولت معین نشده بود ولی در سالهای بعدی این نقیصه برطرف گردید.

در سال ۱۳۰۸، درآمدهای بودجه به رقم ۴۰،۰۴۰،۱۲۴،۳۹۱ قران افزایش پیدا کرد. حقوق و عوارض گمرکی و مالیاتهای مستقیم و غیرمستقیم با تأمین ۷۸/۶ درصد کل درآمدها (معادل ۴۳۳،۵۸۶،۲۴۴ قران) مهمترین منبع مالی دولت به شمار می رفتند و پس از آن حق انحصارات و امتیازات، صادرات مواد اولیه و برخی درآمدهای متفرقه در درجه های بعدی اهمیت قرار داد. سد؛ ولی از آنجاییکه فعالیتهای دولت در امور اقتصادی تا این سال هنوز به بازدهی قابل ملاحظه ای نرسیده

است، اقلام مربوط به انحصارات و امتیازات و... هنوز به میزان چندانی نرسیده است.

در سال ۱۳۰۹، درآمدهای پیش بینی شده در بودجه ۸۲۷،۳۷۴،۳۵۳ قران بود این مبلغ بطور عمده از مالیاتهای مستقیم و غیرمستقیم، حقوق و عوارض گمرکی و حق انحصارات و امتیازات (۸۰/۷ درصد) حق الثبت اتومبیلها و مالیات بر شرکتهای و تجارتخانه ها (۶/۵ درصد) تشکیل می شد. بعلاوه بخشی از آن را عواید حاصلی از صحنه (بهداشت) و پست و تلگراف تأمین می نمود. سهم معادن، جنگلها، شیلات داخلی، گل سرخ و پوست بره در کل درآمدها فقط ۳۱۴،۰۰۰ قران یعنی ۰/۸۸ درصد است.

درآمدهای بودجه سال ۱۳۱۹ به رقم ۹۷۷،۳۹۳،۳۰۹ ریال رسید. در این میان از سهم مالیاتها در کل درآمدها کاسته شد. مالیاتهای مستقیم ۶/۸ درصد، مالیاتهای غیرمستقیم ۱۱/۵ درصد و حقوق گمرکی ۱۶/۴ درصد، یعنی جمعاً فقط ۳۴/۷ درصد بودجه را تأمین می کردند. در مقابل سهم انحصارات با تأمین حدود ۳۲/۸ درصد از کل درآمدها، نقش بیشتری در بودجه گرفته است. بعلاوه درآمدهای صنعتی (حاصل از کارخانجات زری و کاشی، قیراندود و اشباع تراورس، گلیسرین و صابون سازی، سیمان، قند، جوهرنمک، اسباب یدکی، نوغان و معادن) با حفظ روند صعودی خود، در سال ۱۳۱۹، ۱۱/۸ درصد بودجه را تأمین می نماید.

بالاخره، همین روند در بودجه سال ۱۳۲۰ نیز

که دارای درآمدی بالغ بر ۷۱۸،۷۶۸،۷۶۳ ریال است حفظ شده است درآمدهای مالیاتی همچنان سیر نزولی خود را حفظ کرده و با ۸/۴ درصد (مالیاتهای مستقیم) ۷/۷ درصد (مالیاتهای غیرمستقیم) و ۱/۱۴ درصد (حقوق گمرکی) و جمعاً ۳۰/۲ درصد، اهمیت درجه اول خود را از دست داده و پس از درآمدهای انحصاری که ۳۸/۱ درصد بودجه را تأمین می نماید، قرار می گیرد. درآمدهای صنعتی نیز در همان حد سال گذشته (۱۱ درصد) تقریباً ثابت مانده است.

در مجموع چنانکه دیده می شود، مهمترین منابع درآمدهای دولت را در طول دوره مورد مطالعه، انواع مالیاتهای مستقیم و غیرمستقیم، حقوق و عوارض گمرکی و انحصارهای بازرگانی دولتی تشکیل می دهد و هر قدر که به پایان دوره نزدیکتر می شویم بر اهمیت انحصارات افزوده و از نقش مالیاتها کاسته می شود. همچنین پیش بینی هایی که جهت صنعتی کردن کشور صورت می گرفته است، نهایتاً از اواسط دهه ۱۳۱۰ نتایج خود را نشان داده و صنایع دولتی به این توانائی دست می یابند که بخش مهمی از بودجه دولتی را تأمین نمایند. همچنین چنانکه از شواهد موجود بدست می آید، دولت به منظور تأمین سرمایه لازم، نه تنها اقدام به اخذ وام از خارج نمی کند بلکه تا اواسط دهه ۱۳۰۰ وامهای گذشته ایران به خارج را نیز باز پرداخت می نماید.^۵ از سوی دیگر نقش نفت در تأمین منابع اعتبار مورد نیاز دولت در بودجه های عمومی این دوره نیز قابل توجه است. در این دوره، درآمدهای حاصل از نفت بطور عمده طی تصویب بودجه های اختصاصی فقط برای تأمین مایحتاج تسلیحاتی و نظامی وزارت جنگ، بکار می رفت و در بودجه های عمومی سالهای مختلف نقش چندانی نداشت. تأثیر درآمدهای نفتی به کمتر از ۱۰ درصد درآمدها در سالهای دهه ۱۳۰۰ (تحت عنوان حق الامتیاز نفت جنوب) و کمتر از ۲۵ درصد در سالهای واپسین دهه ۱۳۱۰ از طریق مالیات بر نفت و بنزین خلاصه می شد.^۶

بالاخره افزایش سهم انحصارات و نیز صنایع دولتی در منابع تأمین اعتبار بیش از هر چیز بواسطه مداخله روزافزون دولت در امور اقتصادی کشور بود که از اوایل دهه ۱۳۱۰ آغاز شده و در سالهای پایانی این دوره به بالاترین حدود خود رسیده بود.



کل هزینه‌های پیش‌بینی شده در بودجه سال ۱۳۰۷ کشور، بالغ بر ۹۱۷،۱۱۳، ۲۷۶ قران می‌گردد. مهمترین بخش این هزینه‌ها اختصاص به مخارج نظامی و انتظامی داشت. بشکلی که که وزارت جنگ با جذب ۳۵/۷ درصد و وزارت داخله با ۱۴/۴ درصد کل هزینه‌ها، بیشترین مخارج را بخود اختصاص داده بودند. این توضیح ضروریست که ۶۹/۲ درصد کل بودجه اختصاص یافته به وزارت داخله (یعنی ۹۸،۶۷۳،۰۰۰ قران) صرفاً به امور مربوط به سربازگیری، نظمیه (شهربانی) و امنیه (ژاندارمری) اختصاص یافته بود. مبلغ مزبور معادل با ۱۰ درصد کل هزینه‌های پیش‌بینی شده در بودجه سال ۱۳۰۷ بود. در حالیکه تمام هزینه‌های اختصاص یافته به امور بهداشتی (تحت عنوان صحیه کل) که تحت مسئولیت وزارت داخله بود، فقط بالغ بر ۱/۳ درصد کل هزینه‌های بودجه در این سال بود. بودجه سایر وزارتخانه‌ها به این ترتیب بود: وزارت مالیه معادل ۱۱/۹ درصد کل بودجه، وزارت پست و تلگراف برابر با ۷/۹ درصد، وزارت معارف ۴/۹ درصد، وزارت عدلیه ۳/۹ درصد، پرداختی بابت قروض داخلی دولت ۳/۳ درصد و بودجه وزارت فواید عامه (که متصدی فعالیت‌های کشاورزی، صنعت و راه بود) ۱/۲ درصد. سهم دربار از بودجه این سال ۱/۸ درصد کل بودجه بود.

در سال ۱۳۱۸ علی‌رغم افزایش قابل توجه بودجه و تنظیم یک هزینه ۹۸۷، ۴۸۱، ۶۱۳، ۲ در ریالی ولی به دلیل فقدان رشد قابل ملاحظه در درآمدها، کسر بودجه‌ای معادل ۲۶ درصد، به چشم می‌خورد. یکی از علل بالا رفتن مخارج در سال ۱۳۱۸، جنگ جهانی دوم است که در این سال آغاز گردیده بود. زیرا به واسطه جنگ بهای کالاهای مصنوع که عمده‌ترین حجم واردات به ایران را تشکیل می‌داد، افزایش یافت و در مقابل درآمدها از آنجا که بیشتر بر مبنای مالیاتها (در انواع و اقسام آن) و صادرات برخی مواد اولیه بود، نتوانست ترقی چندانی یابد. یکی دیگر از علل این کسر بودجه افزایش سهم وزارت راه جهت ساختمان راه‌آهن کشور بود که در حدود ۳۲/۶ درصد از بودجه را به خود اختصاص داده بود. روند

نزولی هزینه‌های نظامی که از چند سال پیش آغاز شده بود، همچنان ادامه یافت و در این سال به میزان ۱۷/۴ درصد کل هزینه‌ها تقلیل پیدا کرد. بودجه وزارت پیشه و هنر هر چند که نسبت به سال قبل افزایش قابل توجهی را نشان می‌دهد، ولی به دلیل بالا رفتن هزینه‌ها به واسطه افزایش بودجه وزارت راه سهم آن در کل بودجه کاهش یافته است. کاهش سهم سایر وزارتخانه‌ها در بودجه نیز عموماً به همین دلیل است. وزارت پیشه و هنر ۱۷/۴ درصد بودجه این سال را به خود اختصاص داده است. سهم دیگر هزینه‌های این سال عمدتاً عبارت از: برخی مخارج عمرانی (که در ردیف «سایر» درج شده‌اند) ۸/۱ درصد، برخی هزینه‌های جاری (که در ردیف «سایر» درج شده‌اند) ۴/۶ درصد، هزینه‌های وزارت دارایی (مالیه سابق) ۲/۶ درصد، وزارت پست ۲/۲ درصد، اداره کل کشاورزی ۱/۷ درصد و...

در سال ۱۳۱۹ ولت به جهت کاستن از میزان کسری بودجه، عدم تعادل در رشد درآمدها و هزینه‌ها کمتر شده در حالیکه درآمدها رشدی معادل ۳۷/۷ درصد نسبت به سال قبل را نشان می‌دهد، هزینه‌ها فقط در حدود ۱۸/۷ درصد افزایش را نشان می‌دهند. این عامل باعث شد که کسری بودجه به ۵ درصد کل بودجه کاهش یابد. ترکیب تسهیم بودجه در این سال با حفظ جهت‌گیریهای گذشته به این ترتیب است: وزارت راه ۳۱/۱ درصد، وزارت پیشه و هنر ۲۳/۱ درصد، وزارت جنگ (همراه با شهربانی) ۱۷/۵

درصد، هزینه‌های جاری مندرج در ردیف سایر هزینه‌ها ۱۰/۴ درصد، وزارت دارائی ۴/۵ درصد، وزارت فرهنگ (معارف سابق) ۴/۱ درصد، وزارت پست و تلگراف ۲/۲ درصد، اداره کل کشاورزی ۲/۲ درصد، اداره کل بهداری ۲ درصد کل بودجه.

بودجه سال ۱۳۲۰، آخرین بودجه‌ای است که در دوره مورد مطالعه به تصویب می‌رسد هر چند که با وقوع حوادث سال ۱۳۲۰، عملاً اجرای این بودجه نامیزان زیادی معوق ماند ولی می‌توان با نگاهی به آن، همچنان جهت‌گیریهای نظام در دوره ۱۳۲۰-۱۲۹۹ را بهتر مورد بررسی قرار داد. کسری بودجه سال ۱۳۲۰ همچنان استمرار یافت و در حالیکه کل بودجه ۶۷۶، ۹۱۱، ۳۲۳، ۴ ریال بود، ۱۶/۴ درصد کسری در این سال به چشم می‌خورد. از آنجایی که حاکمیت و نظام آن بطور مشخص جهت‌گیریهای خود را یافته بود، بودجه سالهای آخر دهه ۱۳۹۰، با حفظ یک روند معین تنظیم و اجرا می‌شد. در سال ۱۳۲۰ بودجه وزارت راه به میزان ۲۵/۲ درصد کل بودجه رسید. تقلیل سهم بودجه وزارت راه به دلیل کاهش فعالیت‌های آن بدنبال پایان یافتن طرح‌های مختلف راهسازی بود. پس از وزارت راه، وزارت پیشه و هنر با اختصاص دادن ۲۲/۹ درصد کل بودجه مهمترین قلم در هزینه‌ها محسوب می‌شد.

این بودجه برای مخارج کارخانجات و معادن مختلف هزینه می‌گردید. هزینه‌های نظامی با تقلیل یافتن به اندازه ۱۵/۶ درصد کل بودجه، به پایین‌ترین سهم خود از بودجه در طول دوره مورد مطالعه رسید. سهم سایر وزارتخانه‌ها از بودجه به این ترتیب بود: وزارت دارائی ۶/۱ درصد، وزارت فرهنگ ۴/۵ درصد، اداره کل کشاورزی ۲/۸ درصد و اداره کل بهداری ۱/۹ درصد.

زیر نویس:

- ۱- اقتصاد ایران- باریر- ص ۴۵
- ۲- بررسی تحولات آموزش و پرورش ایران- مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی- ص ۲۹ و ص ۳۰
- ۳- مأموریت آمریکائیا در ایران- میلسپو- ص ۱۸۵
- ۴- همان مأخذ- ص ۷۸
- ۵- همان مأخذ- ص ۲۰۹
- ۶- مأموریت آمریکائیا در ایران- میلسپو- ص ۶۱
- ۷- اقتصاد ایران- باریر- ص ۱۰۱

